

# فرهنگ



## هنر باید در خدمت تربیت جامعه باشد

ایشان معتقد بود کسی که اثر دینی از خودش به جا می‌گذارد، می‌شود شبیه واقعه عاشورا که از امام حسین علیه‌السلام باقی ماند. حالا نمی‌خواهیم بگوییم که کربلا یک هنر است که قطعاً در نوع خودش یک هنر است و سناریویی که در آنجا رقم خورده سرایا هنر است اما امام علی علیه‌السلام از خودش برای اعتلای اسلام عبور کرده و نتیجه آن این است که ۱۲۰۰ سال است که همه می‌خورند و سیر هم نمی‌شوند. اگر هنرمند دغدغه‌اش بیان حقایق عالم باشد، این هنر دینی است و حالا حقایق عالم فقط فرشته، روح، جبرئیل و انبیا نیستند، بلکه گاهی اوقات حقایق عالم این است که برای مثال این لیوان را این طوری نگذارند یا اسراف نکنند. آلودگی صوتی ایجاد نکنند. اگر فیلم برآیندش این بود که مردم دیگر در خیابان‌ها زباله نریزند، این یک کار دینی است چه برسد به اینکه انسان‌ها را با یک فیلم تربیت کنید و با یک فیلم تأثیری روی فرد بگذارید که به جبهه برود و شهید بشود و با هنر به قله‌های تأثیر گذار و تربیت جامعه برسیم. کسانی که در زمینه هنر سینما و رسانه فعالیت می‌کنند واقعاً مسئولیت سنگینی دارند. در قیاس ما سؤال می‌کنند چکار انجام دادی و ما باید جواب بدهیم. ان‌شاءالله بابت فیلم‌هایی که می‌سازیم و کارهایی که انجام می‌دهیم سربلند باشیم.



## از جوانان فیلمساز حمایت می‌کرد

آنچه را که به آن ایمان و اعتقاد داشت به منصفه‌ظهور می‌رساند و به آن عمل می‌کرد. اهل شعر نبود. یک مدت یک‌سری جوان آورد و بسترش را فراهم کرد تا با بودجه آقای سلحشور قصه‌های تیبیان بسازند که هنوز هم تلویزیون قصه‌های تیبیان را پخش می‌کند. هر جا ایشان حضور داشت، سر خیر بود، چون کارهای خودش را باور و به آن ایمان داشت و در جست‌وجوی منافع نبود، بلکه عاقبت بخیری را مدنظر قرار می‌داد.

من در مردان آنجلس نقش پادشاه و بعد از توفیق آن کار در یوسف پیامبر نقش آمن هوبت، فرعون مصر را بازی می‌کردم. آقای شورچه دستیار اول ایشان بود و بعد از آن شروع کردند به نگارش حضرت موسی و با من قرارداد بستند و قرار بود کار را کلید بزنند که متأسفانه نمی‌دانم چرا و به چه دلیل یک مرتبه فلج شدند. چون می‌خواستند حضرت موسی را بسازند اسرائیل آنها را ترور بیولوژیک کرد. من با همسرم یک روز در میان یا هر روز خدمت ایشان می‌رفتم تا اینکه سال ۹۴ جان به جان آفرین تسلیم کردند و با اینکه بودجه حضرت موسی را تأمین کرده بودند، نتوانستند آن را بسازند.

آقای سلحشور در تئاتر نیز نویسنده و کارگردان بودند و بازی هم می‌کردند؛ تئاترهای خیلی پرمحتوا و پیام آور. هم در فیلم توبه نصوح بازی کرد و هم در سریال ایوب پیامبر که نویسنده و کارگردانش هم خودش بود.

## جهانبخش سلطانی:

# سلحشور هنر را برای دینداری می‌خواست

مریم اسدزاده

خبرنگار

و خیلی تمایل نشان دادند و گفتند شیوه و بستر کار ما همین است. از آنجا با هم آشنا شدیم و موقعی که به تهران آمدم، ما را به دفترشان دعوت کردند. ما در آنجا با هم زندگی می‌کردیم. یعنی من شبانه‌روز در دفتر بودم. ایشان بسیار انسان فرزانه و فرهیخته‌ای بود. بالاتر از همه، نان‌رسان بود و خیلی دست به خیر داشت و کمک می‌کرد. سفره ایشان همیشه

یکی از روزهای اسفند ۱۳۹۴ بود که خالق سریال پرآوازه یوسف پیامبر برای همیشه بار سفر بست و رفت. فرج‌الله سلحشور بعد از سال‌ها تلاش و مجاهدت در زمینه تولیدات هنر دینی در حالی که در حال ساخت پروژه حضرت موسی بود به طرز مشکوکی به یک بیماری لاعلاج مبتلا شد و این بیماری مجال نداد تا این سریال را سامان دهد.

پهن بود. در خانه‌اش روی انسان‌های نیازمند باز بود. همواره اهل دل و قلم، خدمت ایشان بودند و هنرمندان را دعوت می‌کرد و سمت و سو می‌داد به فعالیت‌های فرهنگی و هنری کشور؛ به کسانی که اهل هنر، قلم، دانش و علم و معرفت هستند. همیشه در خانه ایشان باز بود. من که با همسرم مدام آنجا بودیم و رفت و آمد می‌کردیم.

به مناسبت سالگرد رحلت این هنرمند فقید با جهانبخش سلطانی دوست و همراه قدیمی او به گفت‌وگو نشستیم که ما حاصل آن را در ادامه می‌خوانید: آشنایی من با آقای سلحشور از آنجا شروع شد که تئاتری را از اصفهان به تهران آوردم. ایشان تئاتر ما را دیدند و آمدند پشت صحنه

مرحوم سلحشور به سینما برای سینما، هنر برای هنر یا هنر برای سرگرمی اعتقادی نداشت. او معتقد بود هنر دینی وسیله‌ای است برای انتقال پیام. در دین اسلام هم تمام اعمال و احکامی که داریم وسیله‌ای است برای متعلق به اخلاق الهی شدن در جهت رسیدن به کمال



## به هنر برای هنر اعتقادی نداشت

سه صبح شروع می‌کرد به مطالعه. اصلاً غافل نمی‌شد از مطالعات کتاب‌های روز. رمان‌ها، تاریخ‌ها و کتاب‌هایی که به روز می‌آمد می‌خرد و مطالعه می‌کرد.

آقای سلحشور خیلی انسان فرزانه و فرهیخته‌ای بود. آرزوی آموزش برای سلحشور می‌کنم و برای شورچه سلامتی طلب می‌کنم. از خدا می‌خواهم باز هم یک چنین تفکراتی و انسان‌های فرزانه و فرهیخته‌ای که بر پایه عشق و ایمان کار می‌کنند حضور یابند تا بتوانند یک اتفاق زیبا بر پایه عشق در جامعه رقم بزنند.

مرحوم سلحشور به سینما برای سینما، هنر برای هنر یا هنر برای سرگرمی اعتقادی نداشت. او معتقد بود هنر دینی وسیله‌ای است برای انتقال پیام. در دین اسلام هم تمام اعمال و احکامی که داریم وسیله‌ای است برای متعلق به اخلاق الهی شدن در جهت رسیدن به کمال رسیدن.

آقای سلحشور خیلی اهل مطالعه بود. هر کتابی که از انقلاب می‌خریدم او زودتر آن را خریده و خوانده بود. خیلی مطالعه می‌کرد. شبانه‌روز در حال مطالعه بود. بعضی وقت‌ها ساعت

